

فرا تحلیل عوامل موثر بر تکرار جرم (بازگشت به زندان) در ایران

سیمین افشار، پونه اروانه^۲

چکیده

نگهداری یک مجرم در زندان علاوه بر هزینه‌های کلان اقتصادی که برای جامعه به همراه دارد؛ تأثیرات مخربی بر وضعیت روانی، اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی مجرم می‌گذارد و موجب مسائل جدیدی در جامعه می‌شود. بنابراین، یکی از اهداف مجازات، اصلاح مجرم به نحوی است که مجدداً مرتکب جرم نشود چرا که تکرار جرم به عنوان یکی از مظاهر آسیب‌های اجتماعی، جوامع مختلف را به موضع‌گیری‌های متنوعی واداشته است. در این راستا، هدف پژوهش حاضر مطالعه عوامل موثر بر تکرار جرم و بازگشت به زندان در ایران است. روش پژوهش به کار گرفته شده در تحقیق حاضر، فراتحلیل است و جامعه آماری آن را تحقیقات انجام شده با موضوع تکرار جرم و بازگشت به زندان در ایران طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۴۰۰ تشکیل داده‌اند. نمونه‌گیری براساس شایستگی و مناسب بودن و مشمول بودن (هدف‌مند) انجام گرفت و ۳۷ تحقیق برای بررسی انتخاب شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده، پس از کدگذاری، از نرم‌افزار جامع فراتحلیل (CMA2) استفاده شد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که به ترتیب بیشترین متغیرهای تأثیرگذار بر تکرار جرم و بازگشت به زندان در ایران عبارتند از: عوامل اقتصادی (۰/۴۲)، عوامل خانوادگی (۰/۳۹)، عوامل اجتماعی (۰/۳۷-)، عوامل روانی (۰/۳۲)، عوامل کالبدی- محیطی (۰/۳۱)، عوامل مراقبتی پس از خروج (۰/۳۰-)، عوامل فرهنگی (۰/۲۷-)، عوامل هویتی (۰/۱۱)، عوامل جمعیتی (۰/۳-).

کلیدواژه‌ها: آسیب‌های اجتماعی، بازگشت مجدد به زندان، تکرار جرم، زندان، فراتحلیل.

۱. مقدمه

برقراری امنیت عمومی و نظم جامعه و حفظ حقوق شهروندی در برابر تجاوز و تهدیدهای اجتماعی افراد نابهنجار، همواره به عنوان یکی از دغدغه‌های مهم متصدیان نظام عدالت قضایی بوده که در این راستا، اعمال مجازات زندان به‌عنوان یکی از آسان‌ترین راهکارهای مقابله با این تجاوزات و تهدیدها در نظر گرفته شده است (مه‌ریور، ۱۳۸۷: ۵۴). این راهکار ساده به نوبه خود، مسائل دیگری از جمله ازدحام و بالا رفتن تراکم افراد زندانی در زندان‌های کشور را موجب شده است. در واقع، امروزه نه تنها در ایران که در بسیاری از کشورهای دیگر نیز ازدحام جمعیت زندان‌ها مشکلاتی جدی ایجاد کرده به‌گونه‌ای که به انحاء مختلف دستاوردهای تأدیبی، اصلاحی و تربیتی را تحت الشعاع خود قرار داده و هزینه‌های گزاف، اختلال در نظم عمومی زندان‌ها، درگیری، شورش، اعتصاب و نظایر آنها را به ساختار مدیریتی و کنترلی جرایم تحمیل کرده است (ناصری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۸).

در اکثر مواقع افرادی که مرتکب بزهکاری و جرم می‌شوند، از حیث کار، تحصیل، تشکیل خانواده و نظایر آنها فرصت‌های جبران‌ناپذیری را از دست می‌دهند. وجود چنین سابقه نامطلوبی، در زندگی آینده آنها نیز تأثیر بسیاری دارد. این قبیل افراد معمولاً از طرف جامعه، خانواده، دوستان، نهادهای غیررسمی و رسمی طرد شده و امکان بازگشت آنها به عنوان یک فرد عادی به جامعه با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شود (کفاشی و اسلامی، ۱۳۸۸: ۵۸). در این راستا، مطالعات و تحقیقات نیز نشان می‌دهند که رویه‌ها و تجارب مربوط به خود زندان، برای بسیاری از زندانیان به دلیل تجربیات منفی که از محیط زندان کسب می‌کنند، مخرب و ناامیدکننده می‌باشد، زیرا کافی نبودن اقدامات اصلاحی و بازپروری زندانیان به معنای آن است که آنها به هنگام ترک زندان در مقایسه با زمان ورودشان آمادگی بیشتری برای ارتکاب مجدد جرم پیدا می‌کنند (حاتمی خواجه، ۱۳۸۶: ۹۵).

هر چند بر اساس رویکردهای سه گانه در زمینه تأثیرگذاری زندان بر زندانیان (شامل؛ تأثیر بازدارنده زندان بر کاهش جرم؛ تأثیر صرفاً حاشیه‌ای و حداقلی زندان بر کاهش جرم؛ و عدم تأثیر و حتی تأثیر منفی زندان بر کاهش جرم)، مطالعات از نوع فراتحلیل موجود در این زمینه (گندرو و همکاران، ۱۹۹۹) نشان داده‌اند که زندان نه تنها نقش کنترلی در کاهش جرایم ندارد، بلکه حتی موجب می‌شود برخی از مجرمان زندانی شده غیرحرفه‌ای در ادامه به دلیل قرار گرفتن در معاشرت با مجرمان حرفه‌ای در داخل زندان، نرخ بازگشت‌شان به زندان حتی به شکل نسبی افزایش نیز پیدا کند. جامعه بین‌الملل به ویژه جوامع پیشرفته به این نتیجه رسیده‌اند که زندان نمی‌تواند در کاهش جرم و بزهکاری نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. بارها اعلام شده که حتی زندان در عمل به مدرسه آموزش جرم تبدیل شده است (آشوری، ۱۳۹۴: ۴۵). با افزایش میزان زندانیان در زندان‌ها، کانون‌های اصلاح و تربیت، سازمان زندان‌ها، نیروی انتظامی و دیگر سازمان‌های متولی جرایم در کشور مجبورند وقت و هزینه‌های بیشتری صرف مدیریت چنین آسیب‌های اجتماعی نمایند. این در حالی است که با اتخاذ رویکردهای پیشگیرانه، به جای رویکردهای مقابله‌ای با جرایم، می‌توان از هزینه‌های مادی و انسانی مربوطه به مقابله با جرایم کاست و منابع را در مسیر آموزش و تربیت عملی و علمی مجرمان به کار بست که هم از لحاظ فردی و هم از لحاظ اجتماعی مفیدتر و انسانی‌تر خواهد بود (ترود و همکاران، ۲۰۲۲). در همین راستا، متولیان امر بر ضرورت چنین اقداماتی توجه نموده و تأکید می‌کنند که باید از طریق آنها جمعیت زندانیان و نرخ بازگشت به زندان را کاهش داد.

هر چند نرخ قابل ملاحظه تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان در تمامی کشورها مسئله است و صرفاً مختص کشور ما نیست (حیدری، ۱۳۸۹: ۹)، به هر حال اطلاعات موجود نشان می‌دهد اکثریت افرادی که یکبار (و برای اولین بار) زندانی می‌شوند، بازگشت‌شان به جامعه مشکل شده و مجدد دچار جرم شده و به زندان مراجعت می‌نمایند (صنعت‌خواه و همکاران، ۱۴۰۰: روشن‌پور و همکاران، ۱۳۹۹)، به طوری که در سال‌های اخیر میزان بازگشت به زندان در کشور ۴۶ درصد اعلام شده است.

از جمله اقدامات علمی مهم برای مدیریت مسئله تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان با رویکرد پیشگیرانه، می‌تواند شناسایی عوامل زمینه‌ساز و مساعدکننده شرایط برای چنین تجربه‌ای باشد (جاکوبز و همکاران، ۲۰۲۲). بی‌تردید مثل هر تجربه انسانی و اجتماعی دیگر، بازگشت مجدد به زندان نیز تحت تاثیر عوامل عدیده فردی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی و نظایر آنها است (اورلاندو و همکاران، ۲۰۲۳). در سال‌های اخیر تحقیقات متعددی در زمینه تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان در ایران انجام شده است، اما ناآگاهی و عدم شناخت کافی از این پدیده اجتماعی باعث شده است که برنامه‌ریزان و سیاستگذاران سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور نتوانند از بروز این گونه رفتارها پیشگیری کنند. همچنین، نتایج حاصله از تحقیقات در زمینه تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان به دلیل تنوع اهداف پژوهش، جامعه آماری و نمونه‌های مورد بررسی، دوره‌های زمانی بررسی شده، رویکردهای نظری مورد استفاده و غیره، نارسا، مبهم و غیرکاربردی‌اند که قضاوت در این حیطه را با نوعی پیشداوری مواجه ساخته‌اند. بنابراین، انجام فراتحلیل در زمینه بازگشت مجدد به زندان می‌تواند نتایج پراکنده تحقیقات در این حوزه را به یکدیگر مرتبط کند و با ارائه راهکارها به حل مسائل در این حوزه یاری رساند. در واقع، بهره‌گیری از اصول و فنون فراتحلیل این امکان را مهیا خواهد نمود تا جمع‌بندی مشخصی از یافته‌های تحقیقات صورت گرفته در مورد تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان حاصل شود. علاوه بر این، «فراتحلیل با محاسبه اندازه اثر متغیرهای مختلف می‌تواند نقطه اتصال مطالعات را شناسایی کند و آنها را منسجم‌تر کرده و به یکپارچگی دانش در این زمینه یاری رساند» (پترسن و همکاران، ۲۰۲۳). بر این اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر، فراتحلیل عوامل موثر بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان در ایران است.

۲. مبانی نظری تحقیق

۱.۲. پیشینه تحقیق

همان‌طور که در بالا گفته شد، پژوهش‌های زیادی در مورد تکرار جرم و بازگشت به زندان در ایران و خارج از کشور انجام شده است. مهدوی و پاکیده (۱۳۸۷) در مطالعه‌شان نشان دادند بین عوامل فردی از قبیل سن، جنس، تحصیلات، شغل و بازگشت مجدد به زندان رابطه وجود دارد. همچنین بین میزان اعتماد اجتماعی، عدم پذیرش در خانواده و عدم پذیرش توسط محیط اجتماعی رابطه معکوسی وجود دارد. یافته‌های کفاشی و اسلامی (۱۳۸۸) بیانگر آن است که برای پیشگیری و کاهش تکرار جرم و بازگشت مجدد افراد آزاد شده به زندان می‌توان با اجرای اصولی و استاندارد تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان در زندان‌ها، بهبود وضعیت اسکان و نگهداری و نوع خدمات‌دهی موثر به آنها، حذف برچسب رسمی و غیررسمی از زندانیان آزاد شده، عرضه خدمات موثر و کنترل از طریق مرکز مراقبت بعد از خروج، پذیرش زندانیان آزاد شده در میان خانواده، دوستان و نهادهای رسمی و غیررسمی و جلوگیری از طرد آنان اقدامات موثری انجام داد. یافته‌های احمدی (۱۳۹۰) نشانگر آن است که دو متغییر پایگاه اقتصادی- اجتماعی و گسست در خانواده بیشترین تاثیر را بر میزان بازگشت به زندان دارند. قلخانباز و همکارانش (۱۳۹۱) در تحقیقی نشان دادند که محل سکونت (غیر بومی شهرستان و استیجاری بودن منزل)، سابقه ارتکاب جرم در دوستان، مصرف مواد قبل از زندان، سن در اولین ارتکاب جرم با تکرار زندانی شدن رابطه معنی‌داری دارند. یافته‌های بوستانی (۱۳۹۱) بیانگر آن است

که وضعیت اقتصادی زندانی قبل از زندان، پیوند فرد با دیگران، احساس کنترل و نظارت و اولین سن ورود به زندان با متغیر تکرار جرم رابطه معکوس معنی‌داری دارد. اما تبادل تجربه‌ها در زندان (یادگیری) و طرد اجتماعی با متغیر تکرار جرم رابطه معنی‌دار مستقیم دارند. همچنین تفاوت معناداری در تکرار جرم بین سطوح مختلف تحصیلی وجود دارد. یافته‌های حیدری و همکارانش (۱۳۹۲) بیانگر آن است که بین میزان تحصیلات پاسخگویان و میزان تحصیلات پدر و مادر با تکرار جرم تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین عدم حمایت خانواده، آموزش فنون در زندان، میزان امیدواری، امکانات موجود در زندان و یادگیری جرایم در زندان و تکرار جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد. یافته‌های شیخ‌نظر سلامی و همکارانش (۱۳۹۳) نشان داد که وجود والدین معتاد و سو مصرف نوجوانان بزهکار موجب بازگشت مجدد و تکرار جرم آنها می‌گردد. یافته‌های ثنایی و میرخلیلی (۲۰۱۵) بیانگر آن است که بیماری‌های جسمی و روانی، جدایی والدین، درآمد پایین، بیکاری، زندگی در مسکن اجاره‌ای، عدم پذیرش در جامعه و خانواده، عدم استفاده از خدمات حمایتی و مشاوره‌ای بعد از آزادی از زندان، از جمله عوامل فردی، اجتماعی، قانونی و قضایی موثر بر بازگشت مجدد به زندان هستند. یعقوبی و علمی (۱۳۹۶) نشان دادند که بین میزان پذیرش جامعه، پذیرش خانواده، دار بودن مهارت شغلی، میزان برچسب‌زنی از سوی دیگران با بازگشت مجدد به زندان رابطه معنی‌داری وجود دارد. یافته‌های ناصری و همکارانش (۱۳۹۷) بیانگر آن است که بین حمایت اجتماعی (حمایت دوستان و در کل حمایت اجتماعی)، کنترل و نظارت اجتماعی، مشارکت اجتماعی زندانیان و عدم بازگشت زندانیان به زندان رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد بین دینداری، حمایت اجتماعی (بعد حمایت خانواده و افراد جامعه) و مشکلات روحی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. مهدی‌پور و همکارانش (۱۴۰۰) در مطالعه‌شان نشان دادند متغیرهای محیط نامناسب زندان، محله نامناسب، طرد اجتماعی، توجیه عمل مجرمانه و یادگیری رفتار انحرافی رابطه مثبت و مستقیمی با تکرار جرم دارند. این در حالی است که متغیرهای حمایت اجتماعی، کنترل اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه منفی و معکوسی با تکرار جرم زندانیان داشته‌اند. همچنین سه متغیر محله نامناسب، طرد اجتماعی و کنترل اجتماعی به ترتیب بالاترین تأثیر را بر تکرار جرم داشته‌اند.

یافته‌های گوم^۱ و همکارانش (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای در خصوص بازگشت به زندان در بین بزرگسالان، بیانگر آن است که در زندان‌ها مداخلات توانبخشی با تأخیر ارائه می‌شوند و بیشتر مواقع این مداخلات موفقیت‌آمیز نیستند. یکی از عواملی که نشان می‌دهد مداخلات توانبخشی موفقیت‌آمیز نیستند، سوء مصرف مواد مخدر است. به نظر آنها افزایش خدمات و منابع انسانی نقش بسیاری مهمی در توانمندسازی زندانیان و عدم بازگشت آنها به زندان دارند. یافته‌های برانتون اسمیت و هاپکینز^۲ (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که اعتیاد به مواد مخدر، محل اقامت، عدم اشتغال، نگرش و رفتار در زندان، گریز از مدرسه در دوران کودکی، سابقه جرم و محکومیت نقش موثری در ارتکاب جرم و بازگشت مجدد به زندان دارند. محمد و وان محمد^۳ (۲۰۱۵) در پژوهشی نشان دادند زندانی‌هایی که در اکثر برنامه‌های آموزشی زندان ثبت نام کرده بودند، در مقایسه با افرادی که در برنامه شرکت نکرده بودند، دوره‌های بازداشتی کمتری داشتند. زندانیان که در زندان مهارت‌های آموزشی لازم را یاد می‌گیرند بعد از آزادی راحت‌تر در جامعه پذیرفته می‌شوند. یافته‌های استاتون تیندال^۴ و همکارانش (۲۰۱۶) نشان می‌دهد افراد در مناطق شهری ۲/۴ برابر بیشتر از افراد در مناطق روستایی احتمال دارد که دوباره مرتکب جرم شوند و به زندان بازگردند. با این حال در مناطق شهری و روستایی عوامل مشابهی وجود دارند که افراد را برای بازگشت به زندان مهیا می‌سازند. از جمله این عوامل می‌توان به سن، جنس، نژاد، بیکاری و مصرف مواد مخدر

1. Gaum
2. Brunton-Smith & Hopkins
3. Mohammed & Wan Mohamed
4. Staton-Tindall

اشاره نمود. یافته‌های تاسونی او همکارانش (۲۰۱۶) بیانگر آن است که استعمال مواد مخدر همچون متابولیت‌ها، کوکائین، مرفین و... در بین افرادی که از زندان آزاد شده‌اند و موقع راندگی دستگیر می‌شوند، یکی از عواملی است که منجر به بازگشت مجدد به زندان می‌شود. یافته‌های موسسه آی‌سی‌سی‌آی (۲۰۱۸) در خصوص تاثیر برنامه‌های کارآفرینی زندان بیانگر آن است که این برنامه‌ها از طریق ایجاد فرصت‌های اقتصادی مناسب برای زندانیان نقش بسیار زیادی در کاهش میزان بازگشت به زندان دارند (به نقل از زین و همکاران، ۲۰۲۳). همچنین یافته‌های موسسه سی‌ای‌آ (۲۰۱۸) بیانگر آن است که برنامه‌هایی که توسط زندان‌ها در زمینه کاهش بازگشت زندانیان به زندان انجام می‌شوند، بیشتر باید بر زندانیانی تمرکز کنند که مشکلات روانی دارند و یا مبتلا به مواد مخدر هستند، تا با شناسایی این افراد و انجام برنامه‌های بازپروری، مددکاری و توانبخشی بتوانند از ارتکاب مجدد جرم بعد از آزادی جلوگیری نمایند (به نقل از زین و همکاران، ۲۰۲۳).

در یک جمع‌بندی مختصر از تحقیقات صورت گرفته می‌توان گفت که پژوهش‌های بررسی شده به مطالعه رابطه بسیاری از عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... با تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان پرداخته‌اند که یافته‌های آنها بعضاً در تضاد با هم قرار دارند. انجام فراتحلیل در این زمینه می‌تواند یافته‌های پراکنده و متضاد پژوهش‌های این حوزه را یکپارچه کند و به انسجام دانش در این حوزه کمک نماید.

۲.۲. رویکردهای نظری

ارتکاب مجدد جرم به عنوان یک موضوع حقیق کیفری عبارت از بازگشت یک فرد به ارتکاب رفتار جنایی است، بعد از این که او به علت ارتکاب جرم پیشین محکوم، مجازات و (به فرض) اصلاح شده است. چنین پدیده‌ای بیانگر سلسله‌ای از ناتوانی‌ها و کاستی‌هاست. از جمله بیانگر قصور فرد در انتخاب رفتاری موفق انتظارات جامعه، یا قصور او در مقاومت در برابر ارتکاب جرم، قصور او به عنوان یک مجرم جهت گریز از توقیف و محکومیت، ناتوانی فرد به عنوان یک مددجوی نهادهای اصلاح و تربیت جهت بهره‌مندی از برنامه‌های اصلاحی و تربیتی آنها، یا ناتوانی و قصور چنین نهادهایی جهت تمهید برنامه‌های بازپروری و همچنین بیانگر قصور فرد در قالب استمرار فعالیت مجرمانه پس از آزادی است (غلامی، ۱۳۸۷: ۴۴).

از نظر قانونی، تکرار جرم همانند اکثر مفاهیم حقوق کیفری دارای تعریف اعتباری است و همین ویژگی وجه ممیز تکرار از تعدد جرم به حساب می‌آید و بر اساس آن پاسخ به این پرسش که تکرار جرم چیست و تکرارکننده جرم کیست، با در نظر گرفتن معیارها و متغیرهای گوناگونی که از سوی قانون‌گذاران مورد توجه قرار گرفته است، تفاوت می‌کند. در اینجا به برخی از متغیرهایی که پذیرش آنها موجب ایجاد تعاریف متعدد از تکرار جرم و تکرارکنندگان آن شده است، اشاره می‌شود:

الف) تکرار جرم حالت کسی است که محکوم به مجازات حبس شده، در حالی که پیش از آن نیز سابقه یک‌بار یا بیشتر تحمل چنان مجازاتی را داشته است.

ب) تکرار جرم حالت کسی است که سابقه محکومیت به یک جنایت یا بیشتر و اکنون نیز به خاطر ارتکاب جنایت محکوم شده است.

ج) تکرار جرم حالت کسی است که مرتکب جرم خاص یا یکی از جرایم خاص شده، در حالی که قبلاً محکومیت به ارتکاب یکی از این جرایم یا جرم مشابه را داشته است.

د) تکرار جرم حالت کسی است که پس از محکومیت به ارتکاب یک جرم جنحهای مرتکب جرم جنحهای دیگر شده است (وروایی و پرنادخ، ۱۳۹۵: ۶-۵).

در تعریف بازگشت به زندان باید چنین گفت که جرم نوعی انحراف از هنجارهای اجتماعی است که به طور رسمی مهم تلقی شده و زندانیان کسانی هستند که از هنجارهای رسمی و قانونی تخطی کرده‌اند. اعتقاد بر این است که این جامعه است که شرایط را برای بروز جرم و ناهمواری‌های اجتماعی فراهم می‌سازد، بنابراین باید برای بازدارندگی مجرمان راه‌حلی در جامعه جستجو کرد. ارتکاب جرم دو مسئله مهم را مطرح می‌کند: یکی ارتکاب اولیه جرم و دیگری تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان (بهروان و بهروان، ۱۳۹۰: ۳۴). بازگشت به زندان شامل حال افرادی می‌باشد که با حضور طولانی در زندان ارتباط اجتماعی او کاملاً قطع شده و نسبت به تحولات دنیای بیرون ناآشنا می‌ماند و در عوض با محیط دوستان و تحولات درون زندان آشنا شده و به شدت وابسته هنجارهای زندان می‌شود. با طرح این موضوع و واقعیت‌های دیگر که در طول حضور زندانی در زندان بروز می‌کند و به جای این که زندانی در هنگام آزادی شور و اشتیاق و علاقه خروج از زندان را داشته باشد التهاب و اضطراب ورود به جامعه او را در برمی‌گیرد. برای افرادی که فاقد پشتوانه برای حضور در اجتماع می‌باشند روزهای آخر آزادی با التهاب و اضطراب شدید همراه است چرا که زندانی مرتباً از خود می‌پرسد کجا باید رفت؟ چگونه باید آغاز کرد؟ آیا خانواده و جامعه او را پذیرا هستند؟ برای همین امر است که در زندان‌ها بعضاً به جبر مسئولین زندانی آزاد می‌شود و بسیار وجود دارد افرادی که پس از آزادی از زندان در کمتر از یک هفته و حتی ۴۸ ساعت با ارتکاب جرم ناچیز زمینه حضور خود را در زندان فراهم می‌نماید (یعقوبی و علمی، ۱۳۹۶: ۱۵-۱۴).

رویکردهای نظری مختلفی برای تبیین پدیده بازگشت به زندان وجود دارد. یکی از این رویکردها، رویکرد جامعه‌شناختی است که بر اساس آن، بازگشت به زندان به عنوان یک پدیده اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این رویکرد تلاش دارد تا عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بازگشت به زندان را مورد بررسی قرار دهد و نقش این عوامل را در تبیین این پدیده مورد بررسی قرار دهد. برچسب‌زنی اجتماعی و پذیرش اجتماعی از مهمترین نظریه‌های این حوزه هستند.

مطابق این دیدگاه، زمانی که برچسب کجرو و مجرم بودن به طور موفقیت‌آمیز بر فرد وارد می‌شود و هنگامی که عمل برچسب‌زنی صورت می‌گیرد، داغ ننگ یا بدنام کردن نیز اتفاق می‌افتد. برای نمونه یک برچسب منفی ممکن است تحت عنوان بزهکاری نوجوان معرفی شود. آن هم تنها به این خاطر که ادعا شده است وی کالایی را از یک مغازه دزدیده است و با وارد آمدن برچسب منفی، نام فرد مورد نظر در معرض لکه‌دار شدن قرار می‌گیرد؛ بنابراین افراد دیگر در برابر آن شخص، با توجه به عنوان برچسبی که به او زده‌اند، بدون توجه به این که آن فرد در حقیقت امر و در زندگی واقعی خود چه رفتاری را انجام می‌دهد و دارای چه قابلیت‌های مثبت دیگری می‌باشد، واکنش نشان می‌دهند. در طول زمان، اگر یک برچسب منفی به فردی اطلاق شود، این امکان وجود دارد که فرد به برچسب جدید خود اعتقاد پیدا کند و حتی هویت خود را تغییر دهد تا متناسب با این برچسب جدید گردد (برنبرگ، ۲۰۱۹). پس یکی از نتایج برچسب‌زنی و بدنام کردن این است که برخی افراد که به صورت نادرستی برچسب خورده‌اند نه تنها بعدها دست به کارهای مجرمانه بعدی می‌زنند، بلکه به دنبال این هستند که مایه تسلی خاطر خود را در همراهی و مشارکت با دیگران یعنی اشخاصی که به همین صورت مانند آنها تحت عنوان غریبه‌ها متمایز شده‌اند پیدا بکنند. یکی دیگر از نتایج برچسب‌زنی این است که برای افرادی که همانند یکدیگر و تحت یک عنوان برچسب خورده‌اند انگیزه و محرکی ایجاد می‌کند تا بتوانند راحت‌تر با همدیگر ارتباط برقرار کنند که این ارتباط اغلب به شکل پیدایش بزهکاران یا خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه می‌باشد (برنبرگ و همکاران، ۲۰۰۶).

نظریه عدم پذیرش اجتماعی یکی از نظریه‌های مهم در زمینه رفتار انسانی است که توسط جیلینگر و ترافیسانو در سال ۱۹۷۷ مطرح شد. این نظریه بر این اصل تأکید دارد که انسان‌ها در شرایط خاصی قرار گرفته و به دلایل مختلفی مانند فقدان اعتماد به دیگران، تجربه‌ی ناکامی‌های مکرر، یا فشارهای اجتماعی، قادر به پذیرش نمی‌باشند و از جامعه اطراف خود دوری می‌جویند. افرادی که تحت تأثیر عدم پذیرش اجتماعی قرار گرفته‌اند، نه تنها از شرکت در فعالیت‌های اجتماعی خودداری می‌کنند، بلکه ممکن است به صورت فعال از جامعه اطراف خود نیز دوری کنند و رفتارهای ضدا اجتماعی از خود نشان دهند. تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان نیز در بسیاری از موارد نتیجه طبیعی طرد یا عدم پذیرش اجتماعی فرد در خانواده و جامعه است. به عبارت دقیق‌تر، زندان در بسیاری از موارد به‌عنوان یک فضای سخت و نامطلوب برای زندگی فرد مورد نظر شناخته می‌شود. بنابراین، در صورت عدم پذیرش اجتماعی و دوری فرد از جامعه، بازگشت مجدد به زندان به‌عنوان گزینه‌ای جایگزین برای فرار از فشارهای اجتماعی و رفع تنهایی در نظر گرفته می‌شود (امبابا، ۲۰۱۲).

رویکرد دیگری که در حوزه بازگشت مجدد به زندان مورد استفاده قرار می‌گیرد، رویکرد رفتارشناسی است. این رویکرد تلاش دارد تا با تأکید بر رفتار مجرمانه و عوامل فردی و شخصیتی، عوامل مؤثر بر بازگشت به زندان را تبیین کند. رویکرد رفتارشناسی در حوزه بازگشت مجدد به زندان به دنبال شناسایی عوامل مختلفی است که ممکن است بازگشت به زندان را تحت تأثیر قرار دهند. این عوامل می‌توانند شامل عوامل فردی مانند سطح تحصیلات، سابقه جنایی، وضعیت اقتصادی و همچنین عوامل اجتماعی و فرهنگی مانند حمایت اجتماعی، فرصت‌های شغلی، وضعیت خانوادگی و فرهنگ جامعه باشند (باومن و تراویس، ۲۰۱۲). عوامل روان‌شناختی مانند ناتوانی در مدیریت هیجانات، ناتوانی در حل مسائل و تصمیم‌گیری و ناتوانی در برقراری روابط اجتماعی نقش مهمی در بازگشت مجدد به زندان دارند. از منظر این رویکرد، افرادی که از مهارت‌های مدیریت هیجانات برخوردار نیستند ممکن است در مواجهه با فشارهای روزمره و مشکلات اجتماعی، به راحتی به رفتارهای ناپسند یا خشونت‌آمیز دچار شوند که این موضوع می‌تواند منجر به وقوع جرم و جنایت دوباره شود. همچنین، ناتوانی در حل مسائل و تصمیم‌گیری نیز می‌تواند بازگشت به جامعه را دچار مشکل کند. افرادی که قادر به تصمیم‌گیری صحیح و حل مسائل به درستی نیستند، ممکن است در مواجهه با چالش‌های زندگی روزمره، به تصمیم‌های نادرست و ناپسند دست پیدا کنند که این موضوع نقش مهمی در بازگشت آن‌ها به جامعه دارد. علاوه بر این، برقراری روابط اجتماعی نیز یک عامل بسیار حائز اهمیت در بازگشت به جامعه پس از زندان است. افرادی که ناتوان در برقراری و حفظ روابط اجتماعی هستند، ممکن است با مشکلات بیشتری در جامعه روبه‌رو شوند و احساس تنهایی و عدم تعلق به جامعه، آن‌ها را به رفتارهای ناسالم و خطرناک سوق دهد (آپل و دیلر، ۲۰۱۷).

رویکرد اقتصادی از دیگر رویکردهایی است که در حوزه بازگشت مجدد به زندان مورد استفاده قرار می‌گیرد. رویکرد اقتصادی به تحلیل رفتارهای انسانی از منظر اقتصادی می‌پردازد و سعی دارد با استفاده از مدل‌ها و نظریه‌های اقتصادی، رفتارهای انسانی را توضیح دهد. در این رویکرد، فرض بر این است که انسان‌ها به دنبال حداکثرسازی سود شخصی خود هستند و تصمیم‌گیری‌هایشان بر اساس این هدف انجام می‌شود. بنابراین، افراد در مواجهه با گزینه‌های مختلف، سعی می‌کنند تا به حداکثر رساندن سود خود بپردازند. با توجه به رویکرد اقتصادی، می‌توان به شکل‌گیری و تکرار جرم نگاه جدیدتری داشت. برخلاف دیدگاه‌های سنتی که تکرار جرم را به عوامل فردی یا اجتماعی نسبت می‌دهند، رویکرد اقتصادی بر این باور است که تصمیمات فرد در مورد انجام یا عدم انجام یک جرم، بستگی به سود و زیان محتمل آن دارد. به عبارت دیگر، فرد در هنگام تصمیم‌گیری بین انجام یک جرم و عدم

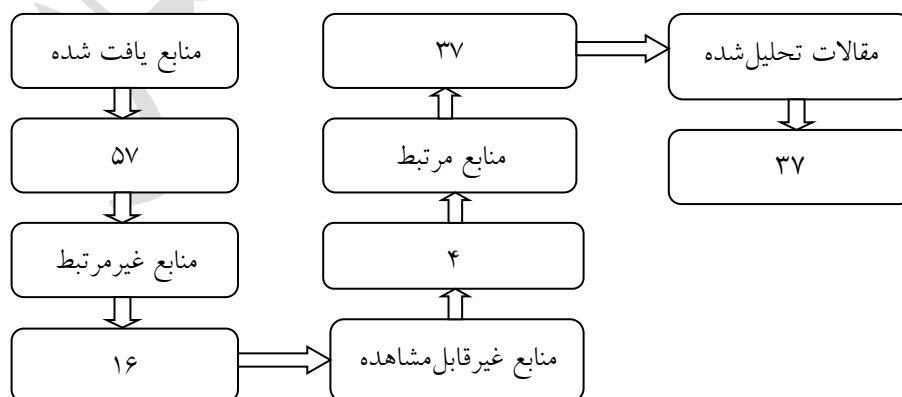
انجام آن، سعی می‌کند تا با تحلیل مزایا و معایب هر گزینه، به حداکثرسازی سود خود بپردازد. برای مثال، زمانی که یک فرد به علت فقر یا ناتوانی مالی، به سادگی نمی‌تواند امکانات و شرایط مناسب زندگی خود را تأمین کند، احتمال این که به فعالیت‌های جنایی روی بیاورد بالا است. زیرا در چنین شرایطی، فعالیت‌های جنایی ممکن است به نظر او به عنوان گزینه‌ای منطقی برای کسب درآمد به نظر برسد (لوپز و همکاران، ۲۰۱۸).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود نظریه‌های فوق از جنبه‌های مختلفی (اجتماعی، رفتاری، اقتصادی) به تبیین تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان پرداخته‌اند. با شناسایی عوامل موثر بر تکرار جرم با استفاده از روش فراتحلیل می‌توان به این مسئله پی برد که کدام یک از نظریه‌های فوق کاربرد بیشتری در تبیین مسئله تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان در ایران دارند.

۳. روش تحقیق

روش پژوهش حاضر، فراتحلیل است. فراتحلیل مجموعه‌ای از روش‌های آماری، برای ترکیب نتایج کمی از چندین مطالعه، برای تولید یک خلاصه کلی از دانش تجربی در حوزه‌ای خاص می‌باشد (لیپسی و ویلسون، ۲۰۰۱). این روش در حوزه‌هایی از علم که انباشت دانش زیادی اتفاق افتاده، استفاده می‌شود تا تأثیر گروهی از عوامل را بر مورد خاص یا تأثیر عامل بر عامل دیگر را در تعدادی از تحقیقات بسنجند (لیتل و همکاران، ۲۰۰۸). در فراتحلیل، ابتدا موضوع انتخاب می‌شود. سپس مسئله فرموله شده و مطالعاتی جمع‌آوری می‌شوند که با موضوع مرتبط بوده و همگی فرضیه یکسانی را بررسی کرده‌اند. مشخصه‌های مطالعات کدگذاری و استخراج شده، آمارها و میانگین و سایر داده‌های آماری به اندازه اثر تبدیل می‌شود. اندازه اثر آمارهای است که اهمیت اثر آزمایشی یا شدت رابطه بین دو متغیر را منعکس می‌کند. ابتدا اندازه اثر هر مطالعه محاسبه می‌گردد و سپس اندازه‌ی اثر مطالعات مختلف با هم مقایسه می‌شوند و در نهایت اندازه اثر کلی رابطه بین دو متغیر یا اثر آزمایشی در چند مطالعه محاسبه می‌شود تا درباره تأثیرگذاری آن اثر آزمایشی یا رابطه بین دو متغیر نتیجه‌گیری شود (بورنشتاین و همکاران، ۲۰۰۹). در نهایت، اندازه اثرها با هم ترکیب شده و اندازه اثرهای ترکیب شده، تفسیر می‌شود.

جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه تحقیقات با موضوع تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان است که در مجلات معتبر و پایان‌نامه‌ها از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۴۰۰ انجام شده است. شرط انتخاب مقالات هم پرداختن به موضوع تکرار جرم و بازگشت به زندان در موضوع تحقیقات می‌باشد. در واقع، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند در نهایت ۳۷ تحقیق (۸ مورد پایان‌نامه، ۲۹ مقاله) مرتبط با موضوع از مجلات و سایر منابع دیگر انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفتند.



شکل ۱. فرایند انتخاب مطالعات در فراتحلیل

برای تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از پژوهش‌های مورد نظر، پس از کدگذاری، از نرم‌افزار جامع فراتحلیل برای انجام محاسبات آماری فراتحلیل استفاده گردید، بدین ترتیب که آزمون‌های آماری استفاده شده در فرضیه‌ها از طریق فرمول‌های ارائه شده توسط وولف پس از تبدیل به اندازه اثر با ترکیب اندازه‌های اثر به روش هانتر و اشمیت مورد تحلیل قرار گرفتند. همچنین برای تفسیر اندازه اثر از جدول کوهن (۲۰۱۳) بهره گرفته شد (مطابق جدول ۱).

جدول ۱. توزیع طبقات اندازه اثر بر مبنای برآورد آماره‌ها

مقدار d	مقدار r	معنی اندازه اثر
کمتر از ۰/۵	کمتر از ۰/۳	اندازه اثر کم
از ۰/۵ تا ۰/۸	از ۰/۳ تا ۰/۵	اندازه اثر متوسط
۰/۸ و بیشتر	۰/۵ و بیشتر	اندازه اثر زیاد

۴. یافته‌های تحقیق

قبل از برآورد اندازه اثر کل، لازم است پیش‌فرض‌های فراتحلیل در خصوص همگنی این تحقیقات و سوگیری انتشار مورد بررسی قرار گیرد. برای ارزیابی همگنی تحقیقات انجام شده در مورد تکرار جرم و بازگشت به زندان، به منظور انتخاب مدل مناسب برای محاسبه اندازه اثر کل از آزمون Q استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۲ قابل مشاهده است. با توجه به این‌که مقدار Q به‌دست آمده از آزمون (۹۲۱/۴۶۸) با درجه آزادی ۳۶ در سطح ($p < ۰/۰۰۱$) معنی‌دار است، می‌توان گفت که فرض ناهمگنی پژوهش‌های انتخاب شده، تأیید و فرض همگنی این تحقیقات رد می‌شود. با توجه به این‌که آزمون Q نسبت به تعداد اندازه اثرها حساس است و با بالا رفتن تعداد اندازه اثرها، توانایی آزمون برای پذیرش ناهمگنی می‌یابد، از آماره دیگری به نام مجذور I نیز در این آزمون استفاده می‌شود. دامنه مقدار I از ۰ تا ۱۰۰ متغیر است. هر چه مقدار آماره به ۱۰۰ نزدیک‌تر باشد، بیانگر این است که میان اندازه اثرها ناهمگنی بیشتری وجود دارد. حال با توجه به این‌که مقدار مجذور I (۹۷/۰۲) که در جدول شماره ۲ قابل ملاحظه است، می‌توان گفت که تقریباً ۹۷ درصد از تفاوت‌های مشاهده شده بین اندازه اثرها یا نتایج به‌دست آمده از تحقیقات، ناشی از ناهمگون بودن آنها است. بنابراین بایستی برای دستیابی به اندازه اثر کل در بین پژوهش‌های مورد بررسی از مدل اثرات تصادفی استفاده شود.

جدول ۲. نتایج آزمون همگنی تحقیقات مرور شده

مقدار Q	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	مجذور I
۹۲۱/۴۶۸	۳۶	۰/۰۰۱	۹۷/۰۲

بررسی سوگیری انتشار در تحقیقات مورد بررسی از دیگر پیش‌فرض‌هایی است که در روش فراتحلیل مدنظر قرار می‌گیرد. در روش فراتحلیل برای این‌که بتوانیم یک اندازه اثر نهایی مصون از خطا به دست آوریم، بایستی به همه تحقیقاتی که در زمینه موضوع یا مسئله مدنظر انجام شده‌اند، دسترسی داشته باشیم تا آنها را مورد ارزیابی قرار دهیم. عدم مطالعه همه این تحقیقات و ظهور دیگر خطاهای خاص، می‌تواند باعث شکل‌گیری مسئله‌ای شود که به آن خطا یا سوگیری انتشار گفته می‌شود. جهت بررسی عدم وجود خطای انتشار در روش فراتحلیل، از آزمون بگ و مزومدار و N ایمن از خطا استفاده می‌شود. در جدول شماره ۳ نتیجه آزمون همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار قابل مشاهده است. فرضیه صفر در این آزمون بیانگر نبود سوگیری انتشار و فرض یک نشان‌دهنده

وجود سوگیری انتشار است. چنانچه سطح معنی داری آزمون بگ و مزومدار بالاتر از ۰/۰۵ باشد، فرض صفر تائید می شود. در پژوهش حاضر، با توجه به سطح معنی داری حاصل شده برای این آزمون که بالاتر از ۰/۰۵ است، می توان گفت که سوگیری انتشار وجود ندارد.

جدول ۳. نتایج حاصل از آزمون همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار

سطح معنی داری		Z-Value	مقدار ضریب همبستگی	شاخص آماری
تک دامنه	دو دامنه			
۰/۲۲۵	۰/۲۹۷	۱/۶۴	۰/۳۷	نتیجه

آزمون N ایمن از خطای روزنتال نیز تعداد مطالعات انجام نشده‌ای (مفقود) را برآورد می کند که بایستی به تحلیل‌ها افزوده شود تا عدم معنی داری آماری اثر نهایی حاصل شود. اطلاعات به دست آمده از این آزمون بیانگر آن است که باید ۴۸۶ تحقیق دیگر انجام شود تا مقدار P دوسویه ترکیب شده از ۰/۰۵ افزایش نیابد و تنها در این حالت است که در نتایج نهایی برآوردها و تحلیل‌ها خطا شکل می گیرد. مقدار آماره حاصل شده، بیانگر دقت و درستی چشمگیر نتایج به دست آمده در این پژوهش است.

جدول ۴. نتایج حاصل از محاسبه آزمون N ایمن از خطا

مقدار	شاخص
۲۳/۱۲۵	مقدار Z برای مطالعات مشاهده شده
۰/۰۰۱	مقدار P برای مطالعات مشاهده شده
۰/۰۵۰	آلفا
۲	باقی مانده
۱/۹۸۸	Z برای آلفا
۳۶	تعداد مطالعات مشاهده شده
۴۸۶	تعداد مطالعات گم شده‌ای که مقدار P را به آلفا می‌رساند

حال بعد از مذاقه در پیش فرض‌های روش فراتحلیل و مورد تائید قرار گرفتن استفاده از مدل اثرات تصادفی، در جدول شماره ۵ اندازه اثر متغیرهای مورد بررسی در تحقیقات صورت گرفته در زمینه تکرار جرم و بازگشت به زندان قابل ملاحظه است. اطلاعات این جدول بیانگر آن است که در عوامل جمعیت‌شناختی، سن (۰/۲۲۳-)، وضعیت تأهل (۰/۱۹۰-)، میزان تحصیلات (۰/۱۸۰-) و جنسیت (۰/۱۱۰-) بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تاثیر دارند. این بدین معنا است که با افزایش سن و میزان تحصیلات افراد از تکرار جرم و بازگشت به زندان کاسته می شود. همچنین تاثیر وضعیت تأهل و جنسیت افراد به گونه‌ای است که افراد متأهل و زن‌ها نسبت به افراد مجرد و مرد، کمتر مرتکب تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان می شوند. با بهره‌گیری از معیار کوهن (جدول ۱) می توان گفت که همه مولفه‌های عوامل جمعیت‌شناختی در حد پائینی بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تاثیر گذارند.

در عوامل روانی، عزت نفس پائین (۰/۴۱۱)، احساس انومی یا بی‌هنجاری (۰/۳۰۴) و احساس ناامیدی اجتماعی (۰/۲۷۰) بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تاثیر دارند. این بدین معنا است که با کاهش عزت نفس افراد و افزایش احساس انومی و ناامیدی اجتماعی در بین آنها، میزان تکرار جرم و بازگشت به زندان افزایش می یابد. با بهره‌گیری از معیار کوهن می توان گفت که مولفه‌های عزت

نفس پائین و احساس آنومی در حد متوسط و مولفه احساس ناامیدی اجتماعی در حد پائینی بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تاثیرگذارند.

در بین عوامل هویتی، هویت افتراقی (۰/۱۹۱)، هویت ضایع شده (۰/۱۷۰)، خوردن برچسب یا انگ اجتماعی مجرم (۰/۱۶۰) و هویت انحرافی (۰/۱۴۰) بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تاثیر دارند. این بدین معنا است که با افزایش همنشینی‌های افتراقی، هویت‌های ضایع شده، برچسب‌زنی اجتماعی و پذیرش هویت انحرافی در بین افراد، میزان تکرار جرم و بازگشت به زندان افزایش می‌یابد. با بهره‌گیری از معیار کوهن می‌توان گفت که همه مولفه‌های عوامل هویتی در حد پائینی بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تاثیرگذارند.

در بین عوامل اقتصادی، احساس محرومیت نسبی (۰/۵۶۰)، بیکاری و اشتغال نامناسب (۰/۳۷۲)، وضعیت نامناسب اقتصادی (۰/۳۷۰) و میزان درآمد (۰/۲۱۳) بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تاثیر دارند. این بدین معنا است که با افزایش احساس محرومیت نسبی، بیکاری و نداشتن شغل مناسب، نامناسب بودن وضعیت اقتصادی و درآمدی فرد، میزان تکرار جرم و بازگشت به زندان افزایش می‌یابد. با بهره‌گیری از معیار کوهن می‌توان گفت که احساس محرومیت نسبی در حد بالا، بیکاری و اشتغال نامناسب و وضعیت نامناسب اقتصادی در حد متوسط و میزان درآمد در حد پائینی بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تاثیرگذارند. در بین عوامل تعاملی-ارتباطی، سابقه جرم در بین دوستان (۰/۳۹۰)، تبادل تجارب مجرمانه در زندان (۰/۳۶۳)، تعامل و ارتباط با افراد ناباب (۰/۱۸۰) و سابقه عضویت در گروه‌های خلاف (۰/۱۴۲) بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تاثیر دارند. این بدین معنا است که با افزایش مولفه‌های یاد شده، میزان تکرار جرم و بازگشت به زندان افزایش می‌یابد. با بهره‌گیری از معیار کوهن می‌توان گفت که مولفه‌های سابقه جرم در بین دوستان و تبادل تجربه‌های مجرمانه در زندان در حد متوسط و مولفه‌های تعامل و ارتباط با افراد ناباب و سابقه عضویت در گروه‌های خلافکار در حد پائینی بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تاثیرگذارند.

در عوامل فرهنگی، تعلق به خرده‌فرهنگ‌های مختلف (۰/۳۴۰)، شیوه زندگی پرخطر (سوء مصرف مواد) (۰/۱۶۷) و دینداری (۰/۱۵۵-) بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تاثیر دارند. این بدین معنا است که با افزایش تعلق فرد به خرده‌فرهنگ‌های منحرف و سبک زندگی مخاطره‌آمیز، میزان تکرار جرم و بازگشت به زندان افزایش می‌یابد. همچنین با افزایش میزان دینداری افراد، از تکرار جرم افراد کاسته می‌شود. با بهره‌گیری از معیار کوهن می‌توان گفت که مولفه تعلق به خرده‌فرهنگ منحرف در حد متوسط و مولفه‌های شیوه زندگی پرخطر و دینداری در حد پائینی بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تاثیرگذارند.

در بین عوامل خانوادگی، وجود یک خانواده گسسته و نامناسب (۰/۳۰۱)، فضای نامناسب خانواده (۰/۲۹۰)، بحران عاطفی در خانواده (۰/۲۸۰) و عدم پذیرش خانواده (۰/۲۰۰)، بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تاثیر دارند. این بدین معنا است که با گسسته و نامناسب شدن خانواده و فضای آن، به وجود آمدن بحران‌های عاطفی در خانواده و عدم پذیرش فرد زندانی از سوی خانواده، میزان تکرار جرم افراد افزایش می‌یابد. با بهره‌گیری از معیار کوهن می‌توان گفت که مولفه وجود یک خانواده گسسته و نامناسب در حد متوسط و مولفه‌های فضای نامناسب خانواده، بحران عاطفی در خانواده و عدم پذیرش فرد از سوی خانواده در حد پائینی بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تاثیرگذارند.

در عوامل کالبدی-محیطی، محل سکونت نامناسب (۰/۲۷۱)، محیط و فضای نامناسب زندان (۰/۲۳۵) و فرصت‌های مجرمانه محیطی (۰/۱۱۴)، بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تاثیر دارند. این بدین معنا است که هر چقدر محل سکونت فرد و محیط و فضای زندان نامناسب می‌شود و فرصت‌های مجرمانه محیطی افزایش می‌یابد، تکرار جرم و بازگشت به زندان افزایش می‌یابد. با

بهره‌گیری از معیار کوهن می‌توان گفت که همه مولفه‌های عوامل کالبدی- محیطی در حد پائینی بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تاثیرگذارند.

در بین عوامل اجتماعی، پذیرش اجتماعی (۰/۳۲۰-)، اعتماد اجتماعی (۰/۲۸۰-)، مشارکت اجتماعی (۰/۲۷۰-)، حمایت اجتماعی (۰/۱۷۷-) و کنترل اجتماعی (۰/۱۲۰-)، بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تاثیر دارند. این بدین معنا است که با افزایش پذیرش اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، حمایت اجتماعی و کنترل اجتماعی، تکرار جرم و بازگشت به زندان کاهش می‌یابد. با بهره‌گیری از معیار کوهن می‌توان گفت که مولفه پذیرش اجتماعی در حد متوسط و مولفه‌های مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، حمایت اجتماعی و کنترل اجتماعی در حد پائینی بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تاثیرگذارند.

در عوامل مراقبتی پس از خروج، تسهیلات مالی برای خدمات تولیدی (۰/۳۳۱-)، به‌کارگیری توانایی زندانیان (۰/۳۰۲-)، ارائه مشاوره پس از خروج از زندان (۰/۱۷۰-) و عضویت در گروه‌های ورزشی (۰/۱۲۰-)، بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تاثیر دارند. این بدین معنا است که با افزایش مولفه‌های یاد شده، تکرار جرم و بازگشت به زندان کاهش می‌یابد. با بهره‌گیری از معیار کوهن می‌توان گفت که مولفه‌های ارائه تسهیلات مالی برای خدمات تولیدی و به‌کارگیری توانایی زندانیان در حد متوسط و مولفه‌های ارائه مشاوره پس از خروج از زندان و عضویت در گروه‌های ورزشی در حد پائینی بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تاثیرگذارند.

جدول ۵. نتایج حاصل از اندازه اثر مطالعات مرور شده

متغیر	مولفه‌ها	اندازه اثر (r)	انحراف معیار	Z-Value	P-Value
عوامل جمعیت‌شناختی	سن	-۰/۲۲۳	۰/۱۹۲	-۷/۰۱۹	۰/۰۰۱
	وضعیت تأهل	-۰/۱۹۰	۰/۱۷۹	-۸/۴۲۱	۰/۰۰۱
	میزان تحصیلات	-۰/۱۸۰	۰/۱۶۵	-۳/۶۵۴	۰/۰۰۱
	جنسیت	-۰/۱۱۰	۰/۱۴۱	-۹/۲۰۱	۰/۰۰۱
عوامل روانی	احساس منزلتی (عزت نفس پائین)	۰/۴۱۱	۰/۲۵۴	۱۰/۱۳۰	۰/۰۰۱
	احساس آنومی (بی‌هنجاری)	۰/۳۰۴	۰/۲۱۹	۵/۰۸۹	۰/۰۰۱
	احساس ناامیدی اجتماعی	۰/۲۷۰	۰/۲۳۱	۸/۶۰۳	۰/۰۰۱
عوامل هویتی	هویت افتراقی (همنشینی افتراقی)	۰/۱۹۱	۰/۱۸۱	۸/۸۴۲	۰/۰۰۱
	هویت ضایع‌شده	۰/۱۷۰	۰/۱۶۸	۸/۱۱۶	۰/۰۰۱
	برچسب اجتماعی خلافکار	۰/۱۶۰	۰/۱۶۵	۵/۵۴۳	۰/۰۰۱
	هویت انحرافی	۰/۱۴۰	۰/۱۵۲	۱۲/۰۲۴	۰/۰۰۱
عوامل اقتصادی	احساس محرومیت نسبی	۰/۵۶۰	۰/۳۴۴	۱۱/۳۱۳	۰/۰۰۱
	وضعیت نامناسب اقتصادی	۰/۳۷۰	۰/۲۵۳	۴/۷۱۲	۰/۰۰۱
	بیکاری و اشتغال نامناسب	۰/۳۷۲	۰/۲۵۶	۹/۵۷۴	۰/۰۰۱
	میزان درآمد	۰/۲۱۳	۰/۱۹۲	۴/۱۶۷	۰/۰۰۱
عوامل ارتباطی و تعاملی	سابقه جرم در بین دوستان	۰/۳۹۰	۰/۲۷۴	۱۰/۴۱۲	۰/۰۰۱
	تبادل تجارب مجرمانه در زندان	۰/۳۶۳	۰/۲۶۱	۷/۰۳۲	۰/۰۰۱
	تعامل و ارتباط با افراد ناباب	۰/۱۸۰	۰/۱۷۱	۵/۰۱۰	۰/۰۰۱
	سابقه عضویت در گروه‌های خلاف	۰/۱۴۲	۰/۱۵۵	۶/۷۵۲	۰/۰۰۱
عوامل فرهنگی	تعلق به خرده‌فرهنگ‌های مختلف	۰/۳۴۰	۰/۲۴۳	۴/۳۲۶	۰/۰۰۱

۰/۰۰۱	۱۱/۸۳۲	۰/۱۶۹	۰/۱۶۷	شیوه زندگی پرخطر (سوء مصرف)	
۰/۰۰۱	-۴/۳۲۲	۰/۱۶۲	-۰/۱۵۵	دینداری	
۰/۰۰۱	۹/۰۱۰	۰/۲۱۷	۰/۳۰۱	خانواده گسسته و نامناسب	عوامل خانوادگی
۰/۰۰۱	۱۱/۲۷۳	۰/۲۱۵	۰/۲۹۰	فضای نامناسب خانواده	
۰/۰۰۱	۴/۶۷۲	۰/۲۱۱	۰/۲۸۰	بحران عاطفی خانواده	
۰/۰۰۱	۶/۳۲۲	۰/۱۹۸	۰/۲۰۰	عدم پذیرش خانواده	
۰/۰۰۱	۸/۵۱۵	۰/۲۲۳	۰/۲۷۱	محل سکونت نامناسب	
۰/۰۰۱	۳/۹۹۲	۰/۲۱۹	۰/۲۳۵	محیط و فضای نامناسب زندان	عوامل کالبدی - محیطی
۰/۰۰۱	۴/۸۰۲	۰/۱۴۲	۰/۱۱۴	فرصت‌های مجرمانه محیطی	
۰/۰۰۱	-۵/۴۲۵	۰/۲۳۱	-۰/۳۲۰	پذیرش اجتماعی	
۰/۰۰۱	-۳/۹۹۰	۰/۲۱۴	-۰/۲۸۰	اعتماد اجتماعی	عوامل اجتماعی
۰/۰۰۱	۹-/۱۳۳	۰/۲۲۲	-۰/۲۷۰	مشارکت اجتماعی	
۰/۰۰۱	-۸/۰۸۰	۰/۱۶۸	-۰/۱۷۷	حمایت اجتماعی	
۰/۰۰۱	-۷/۰۹۲	۰/۱۷۱	-۰/۱۲۰	کنترل اجتماعی	
۰/۰۰۱	-۶/۳۶۲	۰/۲۳۸	-۰/۳۳۱	تسهیلات مالی برای خدمات تولیدی	
۰/۰۰۱	-۸/۱۲۴	۰/۲۱۹	-۰/۳۰۲	به‌کارگیری توانایی زندانیان	عوامل مراقبتی پس از خروج
۰/۰۰۱	-۷/۲۴۱	۰/۱۶۲	-۰/۱۷۰	ارائه مشاوره پس از خروج از زندان	
۰/۰۰۱	-۸/۲۲۳	۰/۱۶۹	-۰/۱۲۰	عضویت در گروه‌های ورزشی	

در جدول شماره ۶ به محاسبه اندازه اثر کلی متغیرهای موثر بر تکرار جرم و بازگشت به زندان پرداخته شده است. اطلاعات این جدول بیانگر آن است که به ترتیب بیشترین متغیرهای تاثیرگذار بر تکرار جرم و بازگشت به زندان عبارتند از: عوامل اقتصادی (۰/۴۲۰)، عوامل خانوادگی (۰/۳۹۱)، عوامل اجتماعی (-۰/۳۷۸)، عوامل روانی (۰/۳۲۰)، عوامل کالبدی- محیطی (۰/۳۱۰)، عوامل مراقبتی پس از خروج (-۰/۳۰۱)، عوامل فرهنگی (-۰/۲۷۰)، عوامل هویتی (۰/۱۱۰)، عوامل جمعیتی (-۰/۱۰۳). با بهره‌گیری از معیار کوهن می‌توان گفت که تاثیر متغیرهای عوامل اقتصادی، عوامل خانوادگی، عوامل اجتماعی، عوامل روانی، عوامل کالبدی- محیطی و عوامل مراقبتی پس از خروج از زندان بر تکرار جرم و بازگشت به زندان در حد متوسط و تاثیر متغیرهای عوامل ارتباطی و تعاملی، عوامل فرهنگی، عوامل هویتی و عوامل جمعیتی بر تکرار جرم و بازگشت به زندان در حد پائینی است.

جدول ۶. اندازه اثر کل به دست آمده در زمینه عوامل موثر بر تکرار جرم و بازگشت به زندان

متغیرها	اندازه اثر (r)	انحراف معیار	Z-Value	P-Value
عوامل اقتصادی	۰/۴۲۰	۰/۲۷۳	۱۰/۹۵۱	۰/۰۰۱
عوامل خانوادگی	۰/۳۹۱	۰/۲۵۸	۱۰/۴۱۰	۰/۰۰۱
عوامل اجتماعی	-۰/۳۷۸	۰/۲۳۴	-۱۰/۱۱۰	۰/۰۰۱
عوامل روانی	۰/۳۲۰	۰/۲۲۰	۸/۳۴۶	۰/۰۰۱
عوامل کالبدی یا محیطی	۰/۳۱۰	۰/۲۱۸	۸/۲۹۸	۰/۰۰۱
عوامل مراقبتی پس از خروج	-۰/۳۰۱	۰/۲۱۵	-۷/۸۹۴	۰/۰۰۱
عوامل ارتباطی و تعاملی	۰/۲۸۰	۰/۲۱۰	۷/۳۵۷	۰/۰۰۱
عوامل فرهنگی	-۰/۲۷۰	۰/۲۰۸	-۷/۱۴۵	۰/۰۰۱
عوامل هویتی	۰/۱۱۰	۰/۱۹۵	۵/۳۲۴	۰/۰۰۱
عوامل جمعیتی	-۰/۱۰۳	۰/۱۹۱	-۵/۱۱۰	۰/۰۰۱

۵. نتیجه گیری

تکرار جرم و بازگشت به زندان تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی (۰/۴۲۰)، عوامل خانوادگی (۰/۳۹۱)، عوامل اجتماعی (-۰/۳۷۸)، عوامل روانی (۰/۳۲۰)، عوامل کالبدی- محیطی (۰/۳۱۰)، عوامل مراقبتی پس از خروج (-۰/۳۰۱)، عوامل فرهنگی (-۰/۲۷۰)، عوامل هویتی (۰/۱۱۰)، و عوامل جمعیتی (-۰/۱۰۳) به ترتیب بیشترین تاثیر را بر تکرار جرم و به تبع آن بازگشت مجدد به زندان دارند.

عوامل اقتصادی تاثیرگذار بر تکرار جرم شامل مولفه‌های احساس محرومیت نسبی، بیکاری و اشتغال نامناسب، وضعیت نامناسب اقتصادی (فشارهای اقتصادی) و میزان درآمد است. فشارهای اقتصادی که بر افراد وارد می‌آید باعث ایجاد آشفتگی‌های روحی در آنها می‌شود و افراد را به سوی ارتکاب جرم سوق می‌دهد. همچنین افزایش میزان فقر و سایر مشکلات اقتصادی سبب شده است تا هزینه فرصت فعالیت‌های مجرمانه به قدری کاهش یابد که افراد با در نظر گرفتن هزینه دستگیری و مجازات و مقایسه آن با سودی که از این فعالیت‌ها عایدشان می‌شود به صورت آگاهانه مرتکب جرم شوند. در این باره، مرتن معتقد است در یک جامعه باثبات، بین اهداف و ارزش‌های اجتماعی فرهنگی و راه‌های پذیرفته شده از سوی عامه مردم برای دستیابی به آنها، تعادل وجود دارد. وقتی این رابطه متعادل به هم بخورد، نظم اجتماعی از بین می‌رود و هرج و مرج به وجود می‌آید. این در حالی است که وضعیت اجتماعی و اقتصادی مناسب امکان برآورده شدن نیازهای زندگی از مسیرهای قانونی را برای افراد فراهم می‌آورد و احتمال وقوع جرم افراد را به طرز چشمگیری کاهش می‌دهد (سلیمانی مقام و همکاران، ۱۳۹۹). همچنین افزایش بیکاری فرصت کسب درآمدهای قانونی را از افراد سلب می‌کند و این انگیزه را در آنها به وجود می‌آورد که به سمت اقدامات مجرمانه گام بردارند. علاوه بر این، هزینه فرصت ارتکاب مجدد جرم برای یک فرد بیکار بسیار کمتر از یک فرد شاغل است، بنابراین احتمال تکرار جرم توسط افراد بیکار بالاتر است. نابرابری درآمدی که از طریق عوامل مختلفی مانند بیکاری، گرانی، فشارهای اقتصادی و غیره ایجاد می‌شود، می‌تواند منجر به عواملی مانند فقر، ایجاد احساس محرومیت نسبی و غیره شود. این در حالی است که میل به موفقیت و برتری و علاقه به کسب

قدرت و اهمیت از تمایلات طبیعی بشر است و حال اگر فردی در جامعه احساس کند که در شرایط ناعادلانه قرار دارد، دست به اعمالی می‌زند که در خلال آن بتواند خود را نشان دهد و برای دست‌یابی به حقی که برای او در نظر گرفته نشده، به سوی ارتکاب مجدد جرم کشیده شود. در این حالت فرد به امکانات و پاداش‌هایی که احساس می‌کند از او گرفته شده، متمرکز می‌شود و دست به جرم می‌زند.

عوامل خانوادگی با مولفه‌های وجود یک خانواده گسسته و نامناسب، فضای نامناسب خانواده، وجود بحران عاطفی خانواده و عدم پذیرش خانواده (عدم حمایت خانواده از فرد) نیز بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تاثیر دارند. گسسته شدن پیوندهای عاطفی و روحی میان اعضای خانواده یکی از اصلی‌ترین مولفه‌ها در سوق یافتن به سمت تکرار جرم به ویژه در بین جوانان است. هر چند در بسیاری از خانواده‌ها، پدر و مادر دارای حضور فیزیکی هستند، اما متأسفانه حضور وجودی و معنوی آنان برای فرزندان محسوس نیست. در چنین وضعیتی، فرزندان به حال خود رها شده، ارتباط آنان با افراد مختلف بدون هیچ نظارت، ضابطه و قانون خاصی در خانواده صورت می‌گیرد. روشن است که چنین وضعیتی زمینه را برای خلأ عاطفی فرزندان فراهم می‌کند. در برخی از خانواده‌ها پدر، مادر و یا هر دو، بنا به دلایلی همچون طلاق و جدایی، مرگ والدین و غیره نه حضور فیزیکی دارند و نه حضور معنوی. در این‌گونه خانواده‌ها که با معضل طلاق و جدایی مواجه هستند، فرزندان پناهگاه اصلی خود را از دست داده، هیچ هدایت‌کننده‌ای در جریان زندگی نداشته، در پاره‌ای از موارد به دلیل نیافتن پناهگاه جدید، در دریای موج اجتماع، گرفتار ناملايمات می‌شوند؛ و موجب روی‌آوری فرد به جرم و یا تکرار جرم می‌شود. همچنین در این زمینه، هیرشی معتقد است که پیوند میان فرد و خانواده مهمترین علت هم‌نوايي و عامل اصلی کنترل رفتار فرد است و ضعف این پیوند یا نبود آن موجب اصلی کجرفتاری است. به بیان دیگر منظور هیرشی این بوده است که فرد نسبت به افرادی که با آنان پیوند نزدیکی دارد دارای احساساتی است که این احساسات موجب می‌شود که فرد نسبت به آنچه درباره رفتارش اندیشیده می‌شود مراقب باشد. بنابراین کنترل جرم با تعلقات افراد نسبت به والدین و خانواده پیوند می‌خورد و زمانی که پیوند میان فرد و خانواده ضعیف یا گسسته گردد و فرد از سوی خانواده مورد پذیرش واقع نشود، احتمال تکرار جرم وجود دارد.

عوامل اجتماعی با مولفه‌های پذیرش اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، حمایت اجتماعی و کنترل اجتماعی بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تاثیر دارند. امروزه با توجه به افزایش جرایم در جامعه یکی از عوامل موثر بر طرد اجتماعی یا عدم پذیرش فرد در جامعه، برچسب مجرم به اوست، ذهنیت جامعه از جرم و مجرم یک ذهنیت مناسب نیست و همواره جامعه سعی در طرد مجرمان داشته است. همکاری و همفکری نکردن جامعه با یک مجرم، نپذیرفتن او در جمع، نپذیرفتن او در یک شغل و غیره اینها از جمله عواملی هستند که باعث طرد مجرم از جامعه و زمینه‌ساز ارتکاب مجدد جرم می‌شود. همچنین چگونگی برخورد دوستان، افراد فامیل و همسایگان با فرد منحرف، در نوع نگاه متقابل وی با دیگران تأثیر بسزایی دارد. در مجموع، اگر این برخوردها قهرآمیز و به صورت طرد فرد از محیط اجتماعی باشد، جدایی وی از جامعه سرعت بیشتری می‌یابد. این نوع برخورد، همواره به‌عنوان هزینه ارتکاب هر جرمی مدنظر است. در واقع، هر اندازه مداخلات اجتماعی بتواند منابع حمایت اجتماعی افراد آزاد شده از زندان را ارتقا داده و تقویت کنند به همان میزان می‌توان انتظار کاهش گرایش این افراد به تکرار جرم باشیم. چرا که، تجربه زندان برای افراد زندانی با از دست دادن بخش بزرگی از حمایت‌های نظام خانواده، شبکه اجتماعی، دوستان آشنایان همراه است که با افزوده شدن ضعف حمایت‌های رسمی به آنها، مجازات‌های اجتماعی مضاعفی را به این افراد تحمیل می‌کند. در چنین شرایطی و با طرد اجتماعی صورت گرفته از سوی منابع مختلف اجتماعی، طبیعی است که افراد آزاد شده از زندان برای رفع نیازهای اجتماعی و

اقتصادی خود به سمت ضدازشها و شبکه‌های ضداجماعی سوق پیدا کنند و بدین ترتیب، مقدمات و شرایط تکرار جرم آنها فراهم شود. علاوه بر این، میزان مشارکت افراد در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی یکی دیگر از مولفه‌های تاثیرگذار بر تکرار جرم است. در این زمینه هیرشی معتقد است کسانی که گرفتار کار، زندگی خانوادگی، سرگرمی و غیره هستند، معمولاً فرصت کمتری برای درگیر شدن در رفتارهای کجروانه دارند. در عین حال به نظر او همین مشارکت، فرد را در معرض انواعی از اهرم‌های کنترل اجتماعی قرار می‌دهد که افراد مرتبط با او، بر او اعمال می‌کنند. به همین نحو، آشکار است کسانی که در فعالیت مرسوم و متعارف جامعه مشارکت ندارند، فرصت و آزادی عمل بیشتری نیز برای دست یازیدن به رفتارهای کجروانه می‌یابند.

عوامل روانی تاثیرگذار بر تکرار جرم شامل مولفه‌های احساس منزلتی (عزت نفس پائین)، احساس آنومی و احساس ناامیدی اجتماعی است. مولفه‌های یاد شده به نوعی بیانگر مفهوم احساس بیگانگی است. احساس بیگانگی بیانگر بریدگی فرد از هنجارهای اجتماعی و فرهنگی و جدایی وی از دیگر افراد جامعه است. در واقع، احساس بیگانگی نوعی احساس جدایی و نبود پیوندهای عینی (رفتاری) و ذهنی (شناختی) میان فرد و جامعه است که منجر به پدیدار شدن وضعیتی می‌شود که فرد در روابط خود با دیگر اعضای جامعه به شکل‌های مختلفی احساس بی‌هنجاری، ناامیدی اجتماعی، انزوا، عدم اعتماد به نفس و تنفر می‌کند. احساس بیگانگی فرد از جامعه چنان حائز اهمیت است که بسیاری از آسیب‌های اجتماعی همچون اعتیاد و سرقت با احساس بیگانگی رابطه دارند. در شرایطی که افراد یک جامعه احساس بیگانگی کنند توسعه و پویایی فرهنگی و اجتماعی در آن جامعه متوقف می‌شود و جامعه تا حد زیادی مستعد افزایش آسیب‌های اجتماعی می‌شود. در این شرایط، کنش‌های بهنجار افراد مختل می‌شود و افراد دچار بی‌هنجاری، ناامیدی، بی‌قدرتی و ناکامی می‌شوند، داویر تعهد و همبستگی و انسجام اجتماعی محدود شده، فردگرایی (ترجیح منافع فردی به اجتماعی) افزایش می‌یابد و در نهایت افراد دچار گسیختگی و بی‌زاری فرهنگی و اجتماعی (که یکی از نمودهای آن ارتکاب رفتارهای مجرمانه است) می‌شوند.

عوامل کالبدی یا محیطی نیز با مولفه‌های محل سکونت نامناسب، محیط و فضای نامناسب زندان و فرصت‌های مجرمانه محیطی عاملی تاثیرگذار بر تکرار جرم و بازگشت به زندان است. در تحلیل این یافته با استفاده از نظریه ساترلند می‌توان گفت که در جامعه‌ای که دارای خرده‌فرهنگ‌های گوناگون است، برخی از محیط‌های اجتماعی معمولاً مشوق فعالیت‌های غیرقانونی هستند، در صورتی که محیط‌های دیگر چنین نیستند. زندگی در برخی از محله‌ها و مناطق شهر، سبب گرایش به جرایم خاص از قبیل سرقت، توزیع و مصرف مواد مخدر، نزاع، روابط نامشروع و غیره می‌شود. محله‌های مورد بحث از لحاظ امکانات رفاهی و بهداشتی وضعیت اسفباری دارند. زندگی در این محله‌های جرم‌خیز معمولاً با بیکاری، فقر، بی‌سوادی، و فقدان تخصص همراه است. افراد در اثر ایجاد ارتباط با کسانی که حامل هنجارهای تبهکارانه هستند، بزهدار یا مجرم می‌شوند. همچنین قرار گرفتن در کنار مجرمان سابقه‌دار و عدم تفکیک بین زندانیان مختلف مهمترین عامل در بروز آشنایی افراد به‌ویژه افراد تازه وارد به زندان و یاد گرفتن شگردها و شیوه‌های مجرمانه است که در تکرار جرم بسیار موثر است. در واقع، خود زندان، برای بسیاری از زندانیان به دلیل تجربیات منفی که از محیط زندان کسب می‌کنند، بسیار مخرب و ناامید کننده است. زیرا کافی نبودن اقدامات اصلاحی و بازپروری زندانیان به معنای آن است، که آنها به هنگام ترک زندان در مقایسه با زمان ورودشان آمادگی بیشتری برای ارتکاب مجدد جرم دارند. به بیان دیگر، عوامل کالبدی و محیطی همگام با عوامل ارتباطی و تعاملی (تبادل تجارب مجرمانه در زندان، تعامل و ارتباط با افراد ناباب و مجرم در زندان و بیرون از زندان و...) باعث افزایش یادگیری اجتماعی افراد در زمینه جرم می‌شوند.

عوامل مراقبتی پس از خروج با مولفه‌های تسهیلات مالی برای خدمات تولیدی، به‌کارگیری توانایی زندانیان، ارائه مشاوره پس از خروج از زندان و عضویت در گروه‌های ورزشی نیز عاملی موثر در عدم تکرار جرم افراد هستند. در واقع، هر چه تسهیلات مالی ارائه شده از سوی سازمان‌ها و ارگان‌ها و به‌خصوص از سوی سازمان زندان‌ها برای زندانیان، پس از خروج بیشتر باشد و در کنار ارائه تسهیلات مالی، ارائه مشاوره شغلی، نظارت، راهنمایی و پیگیری با دقت بیشتری اعمال شود، انگیزه اشتغال، تولید، درآمدزایی و خدمت به خانواده در زندانیان بیشتر می‌شود و بدین ترتیب زمینه و امکان ارتکاب مجدد جرم کمتر می‌شود. همچنین هر چه از توانایی‌ها و مهارت‌های زندانیان در زمینه تولید، ورزش و غیره در محیط بیرون از زندان بهره گرفته شود، اوقات فراغت آنها کمتر شده و انرژی آنها صرف امور تولیدی و خدماتی می‌شود و بدین ترتیب زمینه و امکان ارتکاب مجدد جرم کمتر می‌شود. علاوه بر این، عضویت در گروه‌های ورزشی، انجام تمرینات ورزشی، روحیه رقابت، یافتن دوستان سالم در گروه‌های ورزشی، صرف انرژی در باشگاه‌های ورزشی و در نهایت خستگی حاصل از ورزش می‌تواند بزرگترین مانع در مقابل بروز و ارتکاب جرم باشد.

عوامل فرهنگی نیز از جمله عواملی هستند که از طریق مولفه‌های تعلق به خرده‌فرهنگ‌های مختلف منحرف، شیوه زندگی پرخطر (سوء مصرف مواد و سابقه اعتیاد قبل از زندانی شدن) و دینداری در تکرار جرم نقش دارند. مصرف مواد مخدر از سویی مستلزم برخوردهای مکرر و آشنایی با افراد مجرم و خلافکار و حتی بازگشت دوباره به کانون‌های جرم و خلاف پس از آزادی از زندان و در نتیجه مشارکت در اعمال مجرمانه و یا تکرار جرائم قبلی است و از سوی دیگر، این احتمال وجود دارد که افراد جهت تهیه و فراهم نمودن مواد مخدر مصرفی خود دست به خلاف و اعمال منافی قانون زده و در نهایت دوباره زندانی شوند. در واقع، افراد معتاد به دلیل عدم تمکین مالی و برای به دست آوردن هزینه مواد مخدر دست به سرقت‌های پی در پی می‌زنند و همین امر موجب می‌شود که آنها بازگشت مجدد به زندان داشته باشند.

در بین عوامل فرهنگی، دینداری نقش مهمی در کاهش ارتکاب مجدد جرم دارد. دینداری و پایبندی به ارزش‌های مذهبی از طریق ایجاد یک نظم اخلاقی و مبنا شدن برای تدوین قوانین اجتماعی، مانع مهمی در ارتکاب جرم و رفتارهای انحرافی است. نظام اخلاقی تدوین شده بر اساس ارزش‌های دینی، به وضوح بر هنجارهایی تاکید می‌کند که برای رفتارهای فردی و اجتماعی انسان حد و حدود تعیین می‌کند. دین و مذهب قواعد اخلاقی خاصی را به منظور کنترل خویشتن و عفت از قبیل انجام رفتارهای مجرمانه در اختیار فرد قرار می‌دهند. همچنین، دینداری به تسهیل تجربه معنوی کمک می‌کند و تجربه معنوی می‌تواند تعهدات اخلاقی را تحکیم بخشد که این نیز به نوبه خود مانع از ارتکاب مجدد جرم می‌شود. علاوه بر این، شرکت در فعالیت‌ها و مراسم مذهبی می‌تواند به عنوان یک مهارت مقابله‌ای در برابر تنش‌گرهای زندگی که فرد را به سمت رفتارهای انحرافی سوق می‌دهند، عمل کند.

در خصوص نقش عوامل هویتی هم می‌توان گفت که جامعه از طریق برچسب زدن به افراد مجرم و زندانی، نقش مهمی در ارتکاب مجدد جرم دارد. به طوری که برچسب رسمی توسط مقامات رسمی، مانند پلیس و قاضی، و نیز برچسب اجتماعی، مانند طرد از خانواده و جمع دوستان، و نیز برچسب وضع ظاهری از سوی مردم و پلیس، و برچسب شغلی، از سوی کارفرمایان، منجر به واکنشی در فرد مجرم شده که چاره‌ای جز پذیرش تصویر مجرمانه و هویت انحرافی و روی آوردن به همگنان نداشته و در نتیجه، بازگشت به زندان را در پی دارد.

در انتها مشخص شد که عوامل جمعیت‌شناختی (سن، جنسیت، وضع تأهل، میزان تحصیلات) نیز هر چند ضعیف بر تکرار جرم و بازگشت به زندان تاثیر دارند. یافته‌های پژوهش نشان داد که با افزایش سن، از تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان کاسته

می‌شود. این یافته می‌تواند به این علت باشد که به‌طور کلی، جوانان دارای روحیه قانون‌گریزی و ماجراجویی بوده و خطرپذیرتر می‌باشند، بنابراین انگیزه بیشتری برای مشارکت در جرم نسبت به دیگر گروه‌های سنی در آنها وجود دارد. همچنین بر اساس یافته‌های مطالعه حاضر، احتمال ارتکاب مجدد جرم در افراد مجرد و بازگشت آنها به زندان نسبت به افراد متأهل بیشتر است. این یافته را می‌توان این‌گونه توجیه نمود که مجرد بودن باعث کاهش وابستگی عاطفی و تعلق خاطر فرد نسبت به خانواده و جامعه شده و این امر موجب می‌شود خود را در ارتکاب جرم آزاد بداند. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که افراد مجرد بیشتر از افراد متأهل تمایل به ارتکاب جرم دارند زیرا به واسطه تضعیف پیوندهای‌شان با خانواده و جامعه از احساس پاسخگویی به انتظارات دیگران سر باز می‌زنند و مرتکب رفتارهای مجرمانه می‌شوند. در خصوص نقش تحصیلات هم می‌توان گفت که آموزش و سطح سواد بالا از طرق مختلف بر انگیزه ارتکاب جرم مؤثر است. این عامل از یک سو رفتار اجتماعی افراد را قاعده‌مند نموده و از طریق رشد، بهره‌وری و سطح درآمد آنان را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر تمایل جامعه به استفاده از توان فکری و مدیریتی نیروهای متخصص و آموزش دیده، افراد تحصیلکرده را به مشارکت در فعالیت‌های قانونی تشویق می‌نماید و هزینه ارتکاب جرم را برای آنان بیشتر می‌کند که در نتیجه این عوامل، انتظار می‌رود انگیزه ارتکاب جرم در بین افراد با سواد و تحصیلکرده نسبت به افراد کم‌سواد یا بی‌سواد کمتر باشد، یعنی آموزش بیشتر نرخ زندانی شدن را در جامعه کاهش می‌دهد. علاوه بر این، وجود تفاوت‌های زیستی و تربیتی در مردان و زنان، انتظارات فرهنگی و اجتماعی متفاوت و آزادی بیشتر مردان و افراد مجرد، احتمال امکان ارتکاب تکرار جرم را در مردان نسبت به زنان افزایش می‌دهد.

اولین راهکار برای کاهش تکرار جرم، تأمین امکانات و فرصت‌های شغلی برای افرادی است که در گذشته به ارتکاب جرم متهم شده‌اند. اشتغال به‌عنوان یک عامل مهم در انگیزه و پشتیبانی اقتصادی فرد مؤثر است و می‌تواند به آسان‌تر شدن فرآیند بازگشت به جامعه برای افراد محروم کمک کند. بنابراین، سازمان‌ها و نهادهای مختلف باید برنامه‌ها و پروژه‌های مشغولیت اجتماعی را ترویج کنند و فرصت‌های شغلی برای افراد با گذشت جنایی فراهم آورند. یکی دیگر از راهکارهای اصلی برای کاهش تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان، ارائه برنامه‌های توانمندسازی و آموزشی به مجرمان است. این برنامه‌ها می‌توانند شامل آموزش حرفه‌ای، مهارت‌های اجتماعی، مدیریت هیجانات و مهارت‌های زندگی باشند. با ارائه این برنامه‌ها، مجرمان قادر به یادگیری مهارت‌های جدید و بهبود وضعیت شخصی خود خواهند بود که می‌تواند به کاهش تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان کمک کند. ارائه خدمات پس از آزادی به مجرمان از دیگر راهکارهای کاهش تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان است. این خدمات می‌توانند شامل پشتیبانی مالی، مسکن، خدمات بهداشتی و روانشناختی و همچنین فرصت‌های شغلی باشند. با فراهم کردن این خدمات، افراد پس از آزادی قادر به شروع یک زندگی جدید و پایدارتر خواهند بود که می‌تواند از بازگشت آن‌ها به فعالیت‌های جنایی جلوگیری کند. علاوه بر این، بهبود شرایط زندان‌ها و فراهم کردن بستر مناسب برای توانمندسازی زندانیان نقش مؤثری در کاهش تکرار جرم دارد.

منابع

احمدی، ق. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی عوامل اقتصادی اجتماعی مؤثر بر میزان بازگشت مجدد زندانیان به زندان (مقایسه بین زندانیان شهر کرمانشاه و سنندج)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
آشوری، م. (۱۳۹۴). جایگزین‌های زندان یا مجازات بینابین، تهران: انتشارات گرایش.

بهروان، ح. و بهروان، ن. (۱۳۹۰). تبیین جامعه‌شناختی بازگشت به زندان با تاکید بر نظریه برجسب، *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۹(۱)، ۶۱-۲۳.

بوستانی، ا. (۱۳۹۱). *بررسی عوامل اجتماعی موثر بر بازگشت مجدد به زندان و تکرار جرم مردان با تأکید بر اثر زندان (مورد مطالعه: زندان مرکزی یاسوج در سال ۹۱-۱۳۹۰)*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه پیام نور تهران.

حاتمی خواجه، ن. (۱۳۸۷). *جامعه‌پذیری زندانیان*، مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی کاهش استفاده از مجازات زندان، تهران: راه تربیت.

حیدری، ح. ر.، اوستاد، م. ر.، و نیازمند، ح. (۱۳۹۲). شناخت عوامل موثر در تکرار جرم و بازگشت مجدد افراد به زندان (مطالعه موردی زندان مرکزی بوشهر)، *ماهنامه اصلاح و تربیت*، ۱۴۱(۳)، ۸-۳.

حیدری، ص. (۱۳۸۹). *بررسی تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان در میان زندانیان شهرستان آمل، ماهنامه اصلاح و تربیت*، ۹۹(۸-۱۷).

روشن‌پور، م.، محسنی، ر. ع.، و آقاجانی، ح. (۱۳۹۹). تبیین جامعه‌شناختی عوامل طرد اجتماعی زندانیان زن و اثر آن بر چرخه بازگشت به زندان (مورد مطالعه زندان‌های استان لرستان)، *پژوهش‌نامه زنان*، ۱۱(۴)، ۳۵-۱.

سلیمانی مقام، ی.، نادمی، ی.، و چگنی، م. (۱۳۹۹). *تأثیر شاخص فلاکت بر میزان ارتکاب جرائم در استان‌های ایران، تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، ۱۱(۴۲)، ۱۸۶-۱۵۷.

شیخ‌نظر سلامی، ح. ر.، سجادی، ع. ا.، خدشاهی، ع. ا.، و دلیر یساولی، ف. (۱۳۹۳). *تأثیر اعتیاد بر تکرار جرم و بازگشت مجدد (مطالعه موردی کانون‌های اصلاح و تربیت استان‌های خراسان شمالی و رضوی)*، *ماهنامه اصلاح و تربیت*، ۱۴۶(۱۰)، ۱۰-۶.

صنعت‌خواه، ع.، کمالی، م. ج.، فاتحی‌راد، ن.، و ترکی ده سعید، ح. (۱۴۰۰). *مطالعه زمینه‌های اجتماعی موثر در بازگشت مجدد به زندان با استفاده از استراتژی داده بنیاد، انتظام اجتماعی*، ۱۳(۱)، ۸۲-۵۵.

غلامی، ح. (۱۳۸۷). *تکرار جرم: بررسی حقوقی-جرم‌شناختی*، تهران: انتشارات میزان.

قلخان‌باز، ا.، خزایی، س.، افشاری، م.، سهیلی‌زاد، م.، و فرازی، ر. (۱۳۹۱). *عوامل مرتبط با تکرار زندانی شدن در بین زندانیان شهر تویسرکان در سال ۱۳۹۱، مجله پزشکی قانونی*، ۱۹(۴)، ۱۹۲-۱۸۵.

کفاشی، م.، و اسلامی، ع. (۱۳۸۸). *بررسی عوامل موثر بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان در استان خراسان شمالی، پژوهش اجتماعی*، ۲(۴)، ۶۹-۵۷.

مهدوی، ر.، و پاکیده، ف. ا. (۱۳۸۷). *بررسی علل و عوامل خانوادگی و اجتماعی در بازگشت مجدد به زندان، ماهنامه اصلاح و تربیت*، ۱۸(۸۲)، ۱۳-۱۸.

مهدی‌پور، م.، کندری، ا.، و سیفی قره‌یتاق، د. (۱۴۰۰). *عوامل موثر بر تکرار جرم و بازگشت به زندان در بین زندانیان سیستان و بلوچستان. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*، ۱۶(۶۴)، ۸۶-۵۹.

مهرپور، ش. (۱۳۸۷). *نقش مراقبت‌های بعد از خروج در پیشگیری از بزهکاری مجدد زندانیان، ماهنامه اصلاح و تربیت*، ۷۲(۷۲)، ۵۴-۵۵.

ناصری، س.، مکاریان فرگ، ز.، و حضرتی، س. (۱۳۹۷). *بررسی نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر عدم بازگشت به زندان در بین زندانیان استان خراسان جنوبی، پژوهش‌های انتظامی اجتماعی*، ۱۰(۳)، ۴۹-۲۷.

وروایی، ا.، و پرنده‌خ، ع. (۱۳۹۵). *بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تکرار جرم (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه)*، *علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، ۱۰(۳)، ۲۸-۱.

یعقوبی، م.، و علمی، م. (۱۳۹۶). *نقش عوامل خانوادگی و اجتماعی در بازگشت مجدد زندانیان به زندان، مطالعات جامعه‌شناسی*، ۹(۳۵)، ۷-۲۳.

- Apel, A. B., & Diller, J. W. (2017). Prison as punishment: A behavior-analytic evaluation of incarceration. *The Behavior Analyst, 40*, 243-256.
- Bernburg, J. G. (2019). Labeling theory. *Handbook on crime and deviance*, 179-196.
- Bernburg, J. G., Krohn, M. D., & Rivera, C. J. (2006). Official labeling, criminal embeddedness, and subsequent delinquency: A longitudinal test of labeling theory. *Journal of research in crime and delinquency, 43*(1), 67-88.
- Borenstein, M., Hedges, L. V., Higgins, J. P., & Rothstein, H. R. (2021). *Introduction to meta-analysis*. John Wiley & Sons.
- Bowman, S. W., & Travis Jr, R. (2012). Prisoner reentry and recidivism according to the formerly incarcerated and reentry service providers: A verbal behavior approach. *The Behavior Analyst Today, 13*(3-4), 9.
- Brunton-Smith, I., & Hopkins, K. (2013). The factors associated with proven re-offending following release from prison: findings from Waves 1 to 3 of SPCR. *Results from the surveying prisoner crime reduction (SPCR) longitudinal cohort study of prisoners*.
- Cohen, J. (2013). *Statistical power analysis for the behavioral sciences*. Academic press.
- Gaum, G., Hoffman, S., & Venter, J. H. (2006). Factors that influence adult recidivism: An exploratory study in Pollsmoor prison. *South African Journal of Psychology, 36*(2), 407-424.
- Gendreau, P., Cullen, F. T., & Goggin, C. (1999). *The effects of prison sentences on recidivism* (pp. 4-5). Ottawa: Solicitor General Canada.
- Jacobs, L. A., Ashcraft, L. E., Sewall, C. J., Wallace, D., & Folb, B. L. (2022). Recidivism in context: A meta-analysis of neighborhood concentrated disadvantage and repeat offending. *Criminal Justice and Behavior, 49*(6), 783-806.
- Lipsey, M. W., & Wilson, D. B. (2001). *Practical meta-analysis*. SAGE publications, Inc.
- Littell, J. H., Corcoran, J., & Pillai, V. (2008). *Systematic reviews and meta-analysis*. Pocket Guide to Social Work Re.
- Lopez, A., Moreira, N., Rivera, A., Amdouni, B., Espinoza, B., & Kribs, C. M. (2018). *Economics of Prison: Modeling the Dynamics of Recidivism*. Tech. rep., Arizona State University.
- Mbuba, J. M. (2012). Lethal rejection: Recounting offenders' experience in prison and societal reaction post release. *The prison journal, 92*(2), 231-252.
- Mohammed, H., & Mohamed, W. A. W. (2015). Reducing recidivism rates through vocational education and training. *Procedia-Social and Behavioral Sciences, 204*, 272-276.
- Orlando, M. S., Farrington, D. P., & Jolliffe, D. (2023). Empathy and repeat offending of young offenders in Argentina. *International Journal of Comparative and Applied Criminal Justice, 47*(3), 221-233.
- Petersen, K., Davis, R. C., Weisburd, D., & Taylor, B. (2022). Effects of second responder programs on repeat incidents of family abuse: An updated systematic review and meta-analysis. *Campbell systematic reviews, 18*(1), e1217.
- Sanei, M., & Mir-Khalili, S. M. (2015). Factors affecting recidivism and return to prison male prisoners in the prisons of the west of Guilan and strategies for prevention. *Journal of Scientific Research and Development, 2*(2), 156-161.
- Staton-Tindall, M., Harp, K. L., Winston, E., Webster, J. M., & Pangburn, K. (2015). Factors associated with recidivism among corrections-based treatment participants in rural and urban areas. *Journal of Substance Abuse Treatment, 56*, 16-22.

Tassoni, G., Cippitelli, M., Mirtella, D., Froidi, R., Ottaviani, G., Zampi, M., & Cingolani, M. (2016). Driving under the effect of drugs: Hair analysis in order to evaluate recidivism. *Forensic science international*, 267, 125-128.

Trood, M. D., Spivak, B. L., & Ogloff, J. R. (2022). The effects of judicial supervision on recidivism of offenders in Australia and New Zealand: a systematic review and meta-analysis. *Psychiatry, Psychology and Law*, 29(5), 651-678.

Zane, S. N., Pupo, J. A., & Welsh, B. C. (2023). Correctional treatment as an economically sound approach to reducing the high costs of recidivism: A review of the research. *Criminal Behaviour and Mental Health*, 33(2), 125-138.